

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتزی سدوف

برگردان: ا. م. شیری

۰۳ جون ۲۰۱۲

سوریه، سنگ محک سیاست جهانی

مقدمه مترجم:

بر کمتر کسی پوشیده مانده است که در سالهای اخیر، تهدیدات و حملات تبلیغاتی علیه تحلیلگران و افشاگران سیاستها، جنایتها و سیمای کریمه امپریالیسم شدت و حدت کم سابقه ای گرفته است. البته در اوضاع و احوال کنونی جهان که امپریالیسم هر روز بیش از روز پیش هارتر می شود و نیروهای ترقیخواه، هنوز زیر آوار شکستهای غیرمنتظره سالهای نود قرن گذشته میلادی ضجه می کنند و بخش متناهی از آنها، برای رهائی از زیر این آوار، ندای «یا امپریالیسم ادرکنی» سر داده اند، گسترده‌گی چنین تهاجمات تبلیغاتی نه فقط دور از انتظار نبوده و نیست، حتی طبیعی هم هست. چرا که آنها به اقتضای طبیعت و ماهیت طبقاتی خود عمل می کنند و اگر غیر از این می کردند، جای تعجب بود. اما، کراهت و قباحت این تبلیغات زمانی آزاردهنده می شود که برخی از این سخنگویان، خود را نه تنها «چپ»، حتی «چپ انقلابی» هم می خوانند و تا به مطلبی در افشای ماهیت امپریالیسم بر می خورند، افسار گسیخته بر نویسنده آن می تازند. رفتار و منش این گونه جدید «چپ»ها، عینا یادآور داستان آن آهوی خرامان است که از زخم تیر صیاد لنگ لنگان خود را به لب جوی رساند و همین که جرعه اول را نوشید، قورباغه ای از داخل آب به کنار جوی پرید و چون زخم پای آهو بدید، آهی از نهاد بر کشید و رو به آهو گفت:

«من نمی دانم این صیادان بی رحم از ما آهوان چه می خواهند!» آهو سر به تأسف تکان داد و در جواب گفت: «ای قورباغه تمیز، من یقین داشتم که از زخم صیاد نجات خواهم یافت ولی، این زخم زبان تو که خود را داخل آهوان کردی، مرا خواهد کشت». باری، این همان زخم کشنده است که برای علاجش باید چاره اندیشید.

از نوشتار و گفتار این گونه جدید چپ که امروز وجود دموکراسی و یا دیکتاتوری در این و یا آن کشور، اصلی ترین مشغله ذهنی شان شده، چنین بر می آید که این جنابان حتی هیچ درکی از مفاهیم و مقولات طبقاتی ندارند و گرنه چگونه می توان با وجود سلطه دولتهای امپریالیستی در غرب و سرمایه داری در دیگر کشورها، از دموکرات بودن رئیس دولتهای امپریالیستی و دیکتاتور بودن فقط برخی از دولتهای سرمایه داری صحبت کرد. مگر دموکراسی و دیکتاتوری مقولات طبقاتی نیستند؟ از کی تا حالا و بر اساس کدام بینش، دولتهای امپریالیستی

دموکرات محسوب می شوند؟ حاکمیت سیاسی، یعنی دیکتاتوری یک طبقه بر طبقات اجتماعی دیگر و کشور سرمایه داری هر چه پیشرفته تر، یعنی دارای رژیم هر چه دیکتاتورتر! با این تعریف، چگونه می توان بوش را دموکرات و صدام حسین را دیکتاتور تعریف کرد؟ همین سفسطه بازی و خلط مبحث است که چینماها را در مسیر عدم درک طبقاتی مفاهیم و مقولات سوق می دهد و دست مهاجمان نظامی و تبلیغاتی امپریالیسم را در حمله به دستاوردهای بشری و ارتکاب جنایات هولناکتر باز می گذارد.

خوب! اگر قبول کنیم که تنها صدام حسین دیکتاتور بود و بوش (در مقام رئیس یک رژیم امپریالیستی) دموکرات، در اینصورت، عراق، افغانستان، لیبیا، سومالی، ساحل عاج، مالی و دهها کشور دیگر قربانی مداخلات نظامی و نامرئی این تئوری امپریالیستی در جهان (اینک سوریه به اول لیست رسیده) به عنوان تصویر زنده امروز در برابر چشمان ماست. حالا که نوبت به سوریه رسیده، به منظور احتراز از تحریک احساسات این چینماها، سوریه فعلا به کنار.

اما، ببینیم حاصل این تئوری در عراق چه بود؟ بر اساس ارقام و آمار، جواب کوتاه است: یک کشور کاملا ویران، بیش از نیمی از جمعیت آن کشته و ناپدید، زخمی و معلول، آواره و سرگردان در داخل و خارج کشور، به اضافه انفجارات و کشتارهای روزمره! در لیبیا هم وضع بدین منوال است، در افغانستان و سومالی و بسیاری کشورهای دیگر هم به همین منوال. حالا کدام انسان عاقلی غیر از چینماها و دیگر مبلغان دموکراسی و حقوق بشر سرمایه داری می تواند تحت عنوان دیکتاتوری اسد، خواهان تکرار فاجعه افغانستان، عراق، لیبیا و کشورهای بسیاری دیگر در سوریه باشد؟

واقعیت حوادث سوریه و تبلیغات بیرامون آن نه امری منحصر به فرد است و نه راهکاری تازه. این راهکار همچنان که گفته شد، در کشورهای بسیاری به کار بسته شده و امتحان خود را داده است. قتل عام مردم در شهر الحولا در سوریه، تکرار کامل فجایعی است که در اواخر دهه هشتاد میلادی در اتحاد شوروی روی داد. در این دوره، باندهای مسلح تحت فرمان «خانه آزادی» امریکا، «جامعه باز» صهیونیستی جورج سورس و دیگر سازمان به اصطلاح غیردولتی تحت عناوین گروهها و سازمانهای «دموکراسی خواهی» و «حقوق بشری»، جار و جنجال بر پا می کردند، درگیریهایی ملی- قومی، دینی- مذهبی و غیره به راه می انداختند، در روز روشن آدم می کشتند و سپس، با کمک امپریالیسم خبری، جنایات خود را به پای دولت شوروی ثبت می کردند. در رومانی هم چنین کردند، در یوگسلاوی و در آلبانی و در همه جا هم چنین کردند که نتیجه همه آنها جهان خطرناک کنونی است و امروز، در سوریه هم چنین می کنند. بنا بر این، امروز سوریه واقعا هم سنگ محک سیاست جهانی است: یا باید در کنار سوریه، صرفنظر از کیستی و چیستی حاکمیت آن، هر گونه مداخله خارجی را افشاء و رسوا کرد و این را در نظر گرفت که تعین تکلیف با دولت سوریه حق انحصاری مردم آن است و یا، در کنار فراشان امپریالیستهای غرب که تروریسم را به سطح سیاست دولتی ارتقاء داده اند، دولت اخوان المسلمین ترکیه (حزب عدالت و توسعه) و شیوخ مرتجع عرب، برای اشغال و ویرانی سوریه و قتل عام مردم آن هورا کشید! جای سومی هم وجود ندارد و فکر آوانتوریستی جایگاه سوم را هم باید از مخیله بیرون کرد.

شب ۳۰ ماه می سال جاری در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد اوضاع سوریه مورد مذاکره قرار گرفت. اگر چه این جلسه پشت درهای بسته برگزار گردید، ولی معلوم شد که شرکت کنندگان به هیچ توافقی نرسیدند.

سوزان رایس، نماینده دائمی امریکا در سازمان ملل متحد گفت: «در صورت شکست برنامه کوفی عنان در سوریه و انشعاب در شورای امنیت سازمان ملل متحد، جامعه جهانی برای مداخله چاره ای جز دور زدن شورای امنیت سازمان ملل متحد نخواهد داشت». او در گفت و گو با خبرنگاران پس از پایان جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد راجع به سوریه در روز ۳۰ ماه می اذعان کرد که «متأسفانه، اکنون فقط همین بدترین گزینه باقی مانده است». به نظر می رسد، درک خانم رایس از «جامعه جهانی»، عبارت از ایالات متحده امریکا و آنهایی می باشد که از سیاست امریکا دنباله روی می کنند. و درست همان روز ۳۰ ماه می، روسیه که از سوی غرب به تطهیر «مستبد لجام گسیخته» دمشق متهم می شود، هشدار داد که در شورای امنیت سازمان ملل متحد از طرح مداخله نظامی خارجی در امور داخلی سوریه ممانعت خواهد کرد. مسکو همچنین با جلسه جدید شورای امنیت سازمان ملل متحد در آینده نزدیک مخالفت است.

جلسه ۳۰ ماه می شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره سوریه گام بعدی برای اجرای طرح از پیش تنظیم شده بود. این جلسه اقدامی بود برای ناتوان نشان دادن سازمان ملل متحد و تدارک برای دور زدن این سازمان. تا امروز طراحان سناریوی کودتا در سوریه، بهتر از رقبای خود با کارت جنگ اطلاعاتی بازی کرده اند. تحریکات خونین حولا آغازی بود بر دور جدید تنشها و در عین حال به این توهم دامن می زند که در جهان هیچ نیروئی که بتواند این جنایت را افشاء کند، وجود ندارد. شورای امنیت سازمان ملل متحد قبل از این که تحقیقات کاملی پیرامون این حادثه به عمل آورد و سپس از آن حکم خود را صادر نماید، با همان کارت «جنایات اسد» که در مقابلش گذاشته اند، بازی می کند.

اما اطلاعاتی که به راحتی می توان در اینترنت یافت، شایان توجه است. خبرنگار آژانس «آننا نیوز» از محل حادثه گزارش می دهد:

«روز جمعه ۲۵ ماه می سال ۲۰۱۲، تقریباً در حوالی ساعت ۱۴، گروههای بزرگ شبه نظامیان به شهر الحولا در استان حمص حمله برده و آن را تصرف کردند. شهر الحولا به سه منطقه: روستاهای تل دانو، کوارلاهیبه، و تل دهب تقسیم می شود و هر یک از این مناطق قبلاً در حدود ۲۵ - ۳۰ هزار نفر سکنه را در خود جای می دادند. مجموعاً ۷۰۰ نفر شبه نظامی متشکل از باندهای مسلح و مزدوران حرفه نی از سمت شمال شرق، از طرف روستای الرستان (تیپ الفاروق) ارتش آزاد سوریه» در حدود ۲۵۰ نفر به فرماندهی تروریست عبدالرزاق تلاسوم، از طرف روستای اقریا (به فرماندهی تروریست یحیی الیوسف) و فرلاح که اراذل و اوباش محلی الحولا هم به آنها پیوستند، به این شهر حمله کردند.

مردم غیرنظامی از مدتها پیش الرستان را ترک گفته اند. هم اکنون وهابی ها که سعد حریری، یکی از سازماتدهان تروریسم بین المللی و رئیس جنبش ضد سوری «طیار المستقبل» از لبنان پول و اسلحه در اختیار آنها می گذارد، در آنجا تاخت و تاز می کنند. راه الرستان تا الحولا که از مناطق بدوی می گذارد، عملاً توسط نیروهای مسلح دولتی کنترل نمی شود، به همین دلیل، یورش شبه نظامیان به الحولا برای دولت سوریه کاملاً غیرمنتظره بود.

زمانی که شبه نظامیان پست بازرسی پانینی در مرکز شهر (در نزدیکی منبع آب) و اداره پولیس محلی واقع در آن نزدیکی را تصرف کردند، در خانه های اطراف به پاکسازی همه خانواده های وفادار به دولت پرداخته و سالمندان، زنان و کودکان کم سن و سال را به قتل رساندند. مجموعاً افراد چند خانواده منسوب به خاندان الساعد و عبدالرزاق، از جمله آنها، ۲۰ کودک کشته شدند. بسیاری از کشته شدگان بدان هم «متهم» بودند که از مذهب تسنن به مذهب تشیع اسلام گرویده اند. مردم را با چاقو و تیراندازی از فاصله نزدیک به قتل رساندند. پس از آن

سعی کردند مقتولان را به عنوان قربانیان بمبارانهای ارتش سوریه به سازمان ملل متحد و جامعه جهانی نشان دهند که هیچ نشانی از بمبارانها به دست نیامد.

اظهارات برخی از ناظران بین المللی مبنی بر این که شب، در هتل سفیر شهر حمص صدای تیراندازی توپخانه‌ی به الحولا را شنیده اند... چیزی جز یک شوخی احمقانه نیست. الحولا ۵۰ کیلومتر از حمص فاصله دارد. کدام تانکها یا توپها به الحولا شلیک کردند؟ بلی، شبها در حمص، تقریباً بعد از ساعت ۳، صدای تیراندازی شدید، از جمله، از سلاحهای سنگین شنیده می شود. اما، مثلاً، در باره تیراندازی های شب دوشنبه توضیح داده شد که این تیراندازیها به منظور برقراری کنترل سازمانهای دولتی بر راه دمشق و تأمین امنیت عبور و مرور انجام شده است...

هنگام دیدار از شهر الحولا، حتی هیچ اثری از خرابی های تازه ناشی از بمباران یا توپخانه مشاهده نشد. شبه نظامیان تقریباً هر ساعت پست های بازرسی باقی مانده در تل دانو را مورد حمله قرار می دهند. شبه نظامیان سلاحهای سنگین به کار می برند و در شهر تک تیراندازی از میان مزدوران حرفه‌ی بی شرفه‌ی به شدت فعالند.

هدف این تحریکات، برانگیختن خشم و نفرت جامعه جهانی و اعمال فشار به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تصویب قطعنامه ضد سوری مورد نیاز غرب و گشودن راه تجاوز نظامی ناتو بود. لازم به یادآوری است که شبه نظامیان در آستانه سفر کوفی عنان به سوریه نیز تحریکات دقیقاً مشابهی را سازمان داده و در شومار (حمص) ۴۹ زن و کودک را به قتل رساندند. این تحریکات همین که مشخص شد که مقتولین گروهی از علویهای ربوده شده بودند، فوراً افشاء شد. در تحریکات اخیر نیز تناقضات جدی بین واقعیتها و ادعاها- نامه‌های مقتولین وفادار به دولت و فقدان آثار خرابی های ناشی از بمباران و غیره ظاهر شده، ولی، ماشین تحریکات به حرکت در آمده است. امروز کشورهای ناتو سوریه را با بمباران هوایی تهدید می کنند و اخراج هماهنگ دیپلماتهای سوری آغاز شده است.

در حال حاضر نیروهای مسلح سوریه در داخل شهر الحولا نیستند، با این وجود، صدای تیراندازیها دانما شنیده می شود. گمان می رود که یا گروههای شبه نظامی با همدیگر تصفیه حساب می کنند و یا پاکسازی فزینگی طرفداران بشار اسد در شهر ادامه دارد.

باتدهای مسلح هر جنبنده ای و هر کسی را که سعی می کند به شهر نزدیک شود، مورد هدف قرار می دهند. در مقابل چشم ما کاروان سازمان ملل متحد را هدف قرار داده و به دو ماشین ضد گلوله ناظران سازمان ملل متحد که سعی می کردند به سوی پست بازرسی ارتش در تل دانو حرکت کنند، آسیب وارد آوردند. در حمله به کاروان، تروریست تقریباً بیست ساله ای دیده شد. اول، به سوی قسمتهای حفاظت نشده ماشین ضد گلوله آتش گشود، گلوله‌ها بر روی درب عقب ضد گلوله دوم گیر کردند. بعضی از همراهان مجروح شده اند...

آنچه که در اینجا ذکرش رفت، تنها بخش کوچکی از سیل اخبار و اطلاعاتی است که در ارتباط با واقعیت حادثه الحولا انتشار یافته است. ناظران سازمان ملل متحد بدون هیچ مشکلی می توانستند تصویری واقعی از این حادثه ترسیم نمایند. در روزهای آینده نمایندگان «MOONNS» تحقیقات خود در باره این حادثه را به پایان خواهند رساند و اطلاعات تکمیلی را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه خواهند کرد، ولی آنها اظهار می دارند که «از امکانات صد درصدی برای انجام تحقیقات برخوردار نیستند». حل این معما برای آنها آنچنان که برای برخی خبرنگاران شجاع آژانسهای غربی که در موارد مشابه حتی زندگی خود را به مخاطره می اندازند، مهم نیست.

به نظر می رسد طرح کوفی عنان محکوم به شکست و سوریه، محکوم به تجزیه است. در آسمان آن تجاوز نظامی به پرواز در آمده است.

تجاوز نظامی خارجی در واقعیت امر، گزینه نهائی صلیبیون جدید است. بدون بمبارانهای هوایی نمی توان بر سوریه پیروز شد. برای این کار، برتری نیروی هوایی و هماهنگی بین شورشیان برای انجام عملیات زمینی ضرورت دارد و ناتو باید بیش از ۶۰۰ بمب افکن به پرواز در آورد. در این صورت هم، حداقل تلفات ناتو در حدود یک صد بمب افکن خواهد بود که این هم برای پیمان آتلانتیک شمال قابل قبول نیست.

سرنگونی بشار اسد که از پشتیبانی اکثریت مردم کشور برخوردار است، فقط از طریق تجاوز نظامی خارجی امکان پذیر است و در این حالت، البته که تلفات بلوک ناتو در این عملیات بیش از تلفاتی خواهد بود که در عملیات «آزادی» عراق یا افغانستان متحمل شد. غرب هنوز تلاشهای زیادی به عمل می آورد تا بدون مداخله نظامی به اهداف خود در سوریه برسد و روسیه در مرکز این تلاشها قرار گرفته است. تحلیلگران غربی بر این باورند که موافقت نه تنها روسیه و چین، بلکه فقط روسیه برای «تغییر رژیم» سوریه، عنصر کلیدی خروج از وضعیت کنونی شمرده می شود. زیرا، گمان می رود که در صورت امتناع مسکو از پشتیبانی اسد، پکن به تنهایی مبارزه نخواهد کرد.

امروز فشارهای قابل توجهی به مقامات و دیپلوماسی روسیه وارد می شود. حتی آنگلا مرکل هم به «معالجه» ولادیمیر پوتین در جریان دیدار آینده با وی امیدوار است. آنچه که در باره آتلانتیستهای کهنه کار می توان گفت این است که با دهان کف کرده مسکو را به همدستی با «دیکتاتور خونخوار» متهم می کنند. این فشارها تا کنون نتیجه دلخواه نداده است اما، در مبارزه اطلاعاتی، روسیه هنوز بازنده است. در امر پرتوافکنی بر حوادث سوریه، رسانه های روسیه در آن موقعیت تهاجمی نیستند که رسانه های غربی هستند و کار خبرنگاران آژانسهای خبری، در وهله اول ابتزاز، از توان ایستادگی در مقابل انتقادات برخوردار نیستند. بدین سبب، همین مقاله را با استناد به گزارشات جوانان شجاع و دختران خبرگزاری کمتر شناخته شده «آنا نیوز» تنظیم کردم.

توانائی دفاع روسیه از موضع خود در قبال سوریه، از اهمیت خاصی برخوردار است. «تسلیم سوریه» به معنی از دست دادن آن و ماندن در آن مجموعه ای حقارت آمیز بین المللی می باشد که نخبگان جدید روسیه در دوره یلتسین با موفقیت به عمل آورد. مدتهاست که هر انسان روسیه با مشاهده صحنه های بمباران صربستان برادر توسط ناتوئیها، احساس شرمندگی و حقارت می کند و این فاجعه نباید تکرار شود. سوریه می تواند در مقابل شرارتهای تحمیلی نیروهای «نظم جدید جهانی» مقاومت کند. ولی نیازمند کمک است و در همه حال روسیه هم نمی تواند از کمک خود به آن امتناع نماید.

<http://www.fondsk.ru/news/2012/06/01/siria-oselok-mirovoj-politiki.html>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/06/02>

۱۳ خرداد [جوزا] ۱۳۹۱